



بررسی ترس و اضطراب در «جزیره سرگردانی» و «ساربان سرگردان» سیمین دانشور

نعیمه سادات میرشجاعی^۱

^۱ دانشگاه پیام نور تهران جنوب naiemehsadatmirshojaei@gmail.com

چکیده

نقد و تحلیل آثار ادبی بر اساس دستاوردهای روان شناسی یکی از شیوه های بررسی و ارزیابی آثار ادبی است. که تلاش می شود با تلفیق اندیشه های مکاتب روانشناسی با موضوعات ادبی، ظرفیت های جدیدی از آثار ادبی مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد. طی سالهای اخیر، از میان مکاتب ادبی مختلف روانشناسی، مکتب روانشناسی وجودی که بر پایه ی فلسفه وجودگرایانه شکل گرفته است، به طور جدی مورد توجه نویسندگان و پژوهشگران حوزه ی ادبیات واقع شده است. از دیدگاه یالوم روانشناس مکتب اگزیستانسیالیسم، بنیان گذاشتن خود و آگاهی از مسئولیت خویش، بصیرت عمیقاً ترس آوری است که در چهار وجه اساسی ترس از مرگ، ترس از آزادی، ترس از تنهایی و ترس از بوچی قابل توجه است. این پژوهش باهدف تبیین پدیده های ترس و اضطراب در دو داستان «جزیره سرگردانی» و «ساربان سرگردان» از آثار سیمین دانشور انجام گرفته است. نوع پژوهش، تحقیق توصیفی - تحلیلی است. روش اجرای تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه ای و مطالعه اسناد و تحلیل محتوای آثار در کنار ملاحظات روانشناسی انجام شده است.

واژه های کلیدی

فلسفه وجودگرایانه، ترس، روان شناسی اگزیستانسیالیسم، سیمین دانشور، جزیره سرگردانی.



مقدمه

ترس و اضطراب دو واکنش هیجانی هستند که انسان‌ها در مواقع خاصی به آن دچار می‌شوند و هرکس با توجه به شخصیت و ویژگی‌های ذاتی خود واکنش‌های متفاوتی در مواجهه با این دو پدیده از خود بروز می‌دهد.

نمود ترس در جوامع گوناگون متفاوت است، زیرا شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و آداب و رسوم حاکم بر جوامع و حتی شرایط آب و هوایشان نیز با هم فرق دارد. به عنوان مثال در دوره‌ای از تاریخ، ترس از عفونت و بیماری مانند: وبا، طاعون و ایدز بر ملت‌ها مستولی بوده و در بازه زمانی دیگر با توجه به شرایط موجود و درگیری و جنگ بین کشورها ترس از مرگ غالب بوده است. با این حال، برخی از ترس‌ها در میان همه جوامع و در اعصار مختلف، مشترک هستند و شاید تنها تحت تأثیر عواملی کاهش و یا افزایش پیدا می‌کند، این نوع ترس‌ها عبارت‌اند از ترس از ارتفاع، ترس از تاریکی و... . اضطراب نیز واکنشی است در برابر دگرگونی‌های پیش آمده و حالتی درونی شامل واکنش‌های هیجانی، شناختی، جسمانی و رفتاری عامل ایجادکننده اضطراب نیز می‌تواند واقعی و یا برساخته ذهن و یا تخیلات افراد باشد.

از آن جایی که ادبیات آینه تمام‌نمای هر جامعه و نیز منعکس کننده واقعیات درون آن است و از دیگر سوی چون نویسندگان نیز مانند سایر انسان‌ها با هیجانات و واکنش‌های درونی و بیرونی نظیر ترس و اضطراب مواجه می‌شوند بی‌شک در بخشی از آثار خود به این دو مقوله اشاره کرده‌اند و ظرفیت‌هایی را به بررسی مفاهیم و ابعاد روانکاوانه آن اختصاص داده‌اند. از این روی مطالعه آثاری از این دست می‌تواند ابعاد دیگری از این دو پدیده را پیش روی مخاطب بگستراند.

رمان‌های «جزیره سرگردانی» و «ساریان سرگردان» از سیمین دانشور جزو آن دسته از آثاری هستند که به موضوع سرگشتگی، تحیرانشان معاصر پرداخته‌اند. بیشتر شخصیت‌های این رمان‌ها در موقعیت‌هایی قرار دارند که مجبور به اتخاذ تصمیم و انتخاب از میان گزینه‌های مختلف هستند و همین مواضع ویژه است که افراد را دچار اضطراب می‌کند. «هستی» گذشته از تمامی سرگشتگی‌هایش در موضوعات سیاسی، اعتقادی، اجتماعی و خانوادگی، از همان آغاز داستان در موضع انتخاب میان پایبندی به عشق «مراد» یا جواب به خواستگاری «سلیم» قرار می‌گیرد. «مراد» مجبور است میان ماندن و ازدواج با هستی یا پایبندی به عقاید انقلابی‌اش یکی را انتخاب کند و سلیم باید میان ذائقه انتخاب همسری مطیع و پایبند به سنت و علاقه به داشتن زنی تحصیل کرده و امروزی دست به انتخاب بزند.

همه این موقعیت‌ها اضطراب‌برانگیزند و ترسناک و سیمین دانشور تلاش کرده است تا در قالب این ترس‌ها و اضطراب‌ها، به

بازنمایی ترس‌ها و اضطراب‌های انسان معاصر بپردازد.



این پژوهش در پی آن است تا ضمن بررسی موضوع ترس و اضطراب در رمان‌های یادشده، انواع سازوکارهای به‌کارگرفته‌شده از سوی شخصیت‌های این داستان‌ها را مطابق الگوی زیگموند فروید واکاوی و معرفی نماید. فروید سازوکارهای دفاعی سوژه‌های انسانی را در قبال ترس و اضطراب مواردی از قبیل دلیل تراشی، جابه‌جایی، واپس‌زنی، توسل به منابع حمایتی مانند دعا و میایش، کابوس و خواب‌های آشفته، هذیان‌گویی و انواع بیماری‌های روان‌تنی می‌داند.

سابقه و ضرورت تحقیق

نقد روانشناسانه یکی از گونه‌های نقد آثار ادبی است. نقدهای دوره گذشته، بیشتر بر پایه نقد تاریخی، ادبی، اخلاقی و زیبایی‌شناسی بوده است. نقد روانکاوانه حلقه گمشده و مهمی است که کمتر بدان پرداخته شده و مغول مانده است. نقد روانشناسی قدمتی دیرینه دارد. برخی صاحب‌نظران بر این باورند از آنجایی که رسالت اصلی ادبیات بازنمایی عواطف و احساسات درونی نویسنده و نیز تهییج متقابل عواطف مخاطب است بنابراین ارتباطی تنگاتنگ و عمیق بین ادبیات و روانشناسی وجود دارد؛ علم روانشناسی با گام نهادن به درون هنرمند به تفسیر حالات روحی و روانی وی می‌پردازد. گفتنی است تحلیل روانکاوانه آثار ادبی به ویژه داستان، جنبه‌های ناشناخته‌ای از تعارضات و کشمکش‌های انسانی را آشکار می‌کند و چه بسا بتواند راهگشای مشکلات و مسائل روحی و روانی باشد؛ چرا که یکی از اهداف مهم علم روان‌شناسی درمان اضطراب و ترس است. نگارنده این پژوهش بر آن است تا به بررسی ترس و اضطراب در رمان «جزیره سرگردانی» و رمان «ساربان سرگردان» از سیمین دانشور بپردازد.

بحث نظری (نقد روان‌شناختی)

نقد روان‌شناختی، شاخه‌ای از نقد ادبی است که شیوه‌ها، مفاهیم و نظریات به کار رفته در آن بر پایه اصول روانکاوی است که نخستین بار از سوی فروید مطرح گردیده است؛ نقد روان‌شناختی ویژگی‌های خاص خود را دارد. این نوع از نقد نیز باید همچون انواع دیگر نقد ادبی عاری از هرگونه غرض‌ورزی و سلیقه شخصی باشد و ناقد باید در نقد خود به عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مؤثر بر متن ادبی توجه کند. «ویژگی اصلی نقد روان‌شناسی این است که ناقد نباید به مؤلف بیش از هدف ادبی‌اش بپردازد، پس تحلیل او باید به صورت نقد ادبی باشد نه اینکه یک تحلیل روانشناسانه صرف باشد.» [۱]

خوانش روانکاوانه که ابتدا در محافل ادبی مغرب زمین رایج شد اکنون از یکی رویکردها و روش‌های اصلی نقد ادبی به‌شمار می‌آید. در این شیوه از نقد ادبی به متن به مثابه یک رؤیا می‌نگرند و منتقد به تأویل آن می‌پردازد تا به لایه‌های نهفته آن پی ببرد. به نقد ادبی روانکاوانه، نقد روانشناختی نیز می‌گویند.

تحلیل روانشناسانه متن ادبی به صورت ابتدایی از زمان‌های کهن وجود داشته است، ولی در عصر جدید با ظهور مکاتب مختلف روان‌شناسی با پیشرفت بسیاری روبه‌رو شد. «به دنبال اوج گرفتن پژوهش‌های روان‌شناسانه به ویژه پژوهش‌های «زیگموند



فروید» در اوایل قرن بیستم، نظریه‌های او درباره ضمیر ناخودآگاه و روش روان‌کاوی او در حوزه نقد روان‌شناسی راه یافت و یکی از

مکتب‌های تفسیری پر سر و صدای قرن بیستم گردید.» [۲]

«نقد ادبی روان‌شناسی را می‌توان بسته به آن‌که چه چیز را مورد توجه قرار می‌دهد به چهار نوع تقسیم کرد. این نقد می‌تواند

معطوف به مؤلف، محتوا، ساختمان صوری، یا خواننده باشد که بیشتر نقدهای ادبی از گونه نخست و دوم است.» [۳]

رنه ولک منظور از روان‌شناسی ادبیات را «مطالعه روان‌شناختی نویسنده به‌عنوان نوع یا فرد یا مطالعه فرآیند آفرینش یا

مطالعه سبک‌ها و قوانین روان‌شناختی موجود در آثار ادبی یا سرانجام مطالعه تأثیر ادبیات بر خوانندگان یک اثر ادبی» می‌داند.» [۴] مثلاً

تحقیقات فروید در مورد شکسپیر، داستایوفسکی و لئوناردو داوینچی از دسته اول است و روان‌شناسی هنرمند یا نویسنده را می‌کاود.

«این دسته از نقادان می‌کوشند جریان باطنی و احوال درون شاعر یا نویسنده را ادراک و بیان نمایند. قدرت تألیف و استعداد ترکیب

ذوق و قریحه وی را بسنجند و از این راه تأثیری را که محیط و جامعه و سنن و موارد در تکوین این جریان‌ها دارد مطالعه کنند و بدین

گونه نوع فکر و سبب روحی و ذوقی شاعر را معین نمایند.» [۵]

«فروید که نویسندگان را برگزیده‌ترین روان‌کاوان می‌دانست و بنیانی‌ترین مفاهیم روان‌کاوی خود را از ادبیات به وام گرفته بود

با گشودن دروازه‌های قلمرو ناخودآگاه روان که چشم‌انداز تازه‌ای در برابر نویسندگان می‌گستراند و شیوه‌های روایتی تازه‌ای در اختیارشان

می‌گذاشت به ادبیات ادای دین کرد.» [۶]

نقد روان‌کاوانه بر این باور است که شباهت‌هایی بین ادبیات و روان‌شناسی وجود دارد و برای اثبات آن به کارکرد رؤیا و ضمیر

ناخودآگاه استناد می‌کند، چراکه ضمیر ناخودآگاه، سرچشمه تمامی احساسات و انگیزه‌های سرکوب‌شده انسان‌هاست که خود را پستوی

ذهن نهان ساخته‌اند.

نویسندگان آثار ادبی در هنگام خلق اثر، به‌طور کاملاً ناآگاهانه، از لایه‌های پنهان ضمیر ناخودآگاهشان بهره می‌گیرند، چراکه

بیمار هنگام نقل و بازنمود روایاتش به‌مثابه یک نویسنده عمل می‌کند و به بیان روایت می‌پردازد و همچون صاحب متن داستانی را

روایت می‌کند و با پرده‌برداری از وقایع گذشته، طرح یک داستان را پیش می‌برد.

روان‌کاوی در نقد ادبی نخست به‌منظور شناخت روانی نویسنده به‌کار می‌رفت و این کار را خود فروید آغاز کرد. در واقع، متن

اثر ادبی در حکم روی است و منتقد روان‌کاو همان شیوه‌ای را که برای رمزگشایی رؤیا به‌کار می‌برد، عیناً برای فهم نابسامانی روان

نویسنده کاربردی می‌داند. [۷] فروید معتقد است بیمار باید ناخودآگاه خود را به گونه‌ای با رفتار و در واقع با گفتار بروز دهد؛ اما تنها

داشته‌های متن ادبی و آثار خلاق هنری (کلام و گفتار) است که روان ناخودآگاهانه را تفسیر می‌کند.



نقد روانشناختی، گونه‌های متفاوتی دارد؛ مثلاً گاه به مطالعه زندگی و شخصیت آفریننده اثر می‌پردازد که این امر باعث شده تا منتقدان این شیوه بر سبک روانشناسی در نقد این ایراد را بگیرند که نقد روانشناختی به هنرمند به‌عنوان بیمار روانی می‌نگرد و اثر را زاییده توهمات و مشکلات روانی او می‌داند. که این خود جای بحث فراوان دارد.

این شیوه گاهی به مطالعه خود اثر توجه می‌کند و گاهی تأثیرات اثر را بر خواننده بررسی می‌کند؛ که البته یک نقد کامل و جامع در حیطه نقد روانشناختی باید به تمامی این مسائل هم‌زمان بپردازد و به نحوی قابل قبول آن‌ها را به هم ربط دهد.

معرفی «جزیره سرگردانی» و «ساربان سرگردان»

رمان سه جلدی دانشور که دو جلد آن به نامهای جزیره سرگردانی (۱۳۷۲) و ساربان سرگردان (۱۳۸۰) منتشر گردیده است بار دیگر توانایی دانشور را در نویسندگی به تماشا گذاشت. این اثر نیز با استقبال خوانندگان و منقدین روبرو گشت. همانند سووشون، در این داستان نیز شخصیت اصلی یک زن است که در دهه پنجاه زندگی می‌کند، زنی با نام «هستی» است.

بحث و بررسی (انواع ترس در جزیره سرگردانی)

ترس مرگ

مرگ واضح‌ترین و قابل درک‌ترین دلواپسی غایی ست. اکنون وجود داریم، ولی روزی می‌رسد که دیگر نیستیم. مرگ خواهد آمد و گریزی از آن نیست. حقیقت هولناکی ست و ما با وحشت مرگ به آن پاسخ می‌دهیم. به قول اسپینوزا «همه چیز در تقلای بقا و زنده ماندن است» و تعارض اگزیستانسیال اصلی تنشی است که میان آگاهی از اجتناب ناپذیری مرگ و ادامه زندگی وجود دارد. [۸]

خودکشی عشرت خانم

عشرت مادر هستی چنان که از نامش هم پیداست اهل بزم و خوشگذرانی است چنان که در قسمتی از داستان شاهد خوشگذرانی او با مردان خان هستیم تا جایی که عشرت خانم پی به رابطه مردان خان با زن دیگری را بر خود نمی‌تابد و اقدام به خودکشی می‌کند و مردان خان به او می‌گوید: «بیخود حرف خودکشی را نزن. من به تو یاد دادم که از زندگی لذت ببری. خوب لذت ببر» [۹]

مرگ در زندگی (ساربان سرگردان)

سیمین دانشور در «ساربان سرگردان» مرگ را به زیبایی روایت کرده است. ... طوطکش گفته بود: «زندگی سرودی است با محبت بخوانش. زندگی یک بازی است، با سرور بازی کن، اما آگاه باش که اصل زندگی سفر در گردونه‌ای است میان زایش و مرگ... مرگ نهایت نیست. جان است که ماندگار است.» آری سیمین سرود زندگی خود را به زیبایی خواند و با سرور و محبت بازی کرد. او امروز سفر جاودانه خود را آغاز کرد. از سرزمین سرگردانی به سان «پرنده های مهاجر» پرکشید. [۱۰]



ترس از آزادی

آزادی دلوپسی غایی دیگری ست که کمتر قابل درک است. معمولاً آزادی را مفهومی کاملاً مثبت و خالی از ابهام تصور می‌کنیم. شایع‌ترین دفاع‌های اجتناب‌کننده از مسئولیت، اجباری‌گری، جابجایی مسئولیت و انداختن آن به دوش دیگران، انکار مسئولیت («قربانی بی‌گناه»، «از دست دادن کنترل») و ناهنجاری در تصمیم‌گیری است [۸]

سرگردانی هستی در مورد چگونگی مرگ پدر

یکی از بارزترین شکل سرگردانی در تصمیم‌گیری در این رمان، مرگ پدر هستی است. هستی بین دو روایت از مادر و مادر بزرگ خود سرگردان است. در یک روایت، او شهید شده و در روایتی دیگر که از زبان مادرش نقل می‌شود. کاملاً اتفاقی کشته شده است. هستی تقریباً تا پایان داستان در مورد مرگ پدرش به جواب قاطعی نمی‌رسد در جایی از رمان وقتی هستی از طرف باز پرس مورد سؤال قرار می‌گیرد، این عدم قطعیت را به خوبی نشان می‌دهد: «می‌پرسم، جواب بده. منشی می‌نویسد: نام و مشخصات خود را بیان کنید. هستی بیان کرد. به نام پدر که رسید، کشته‌ی پدرش را دید. صدای توران را شنید که از شهادت پدرش در راه مصدق می‌گفت، جور واجور و صدای مادرش از اینکه اتفاقی تیر خورده.» [۹]

تردید هستی بین حرف مراد و نظر مامان عشی

سرگشتگی هستی در زندگی تنها منحصر به زندگی سیاسی او نیست او حتی در زندگی شخصی خود با چنین حالتی روبرو است تاجایی که مراد به دلیل مخالفت با رفتار و سبک زندگی عشرت خانم بارها از هستی خواسته بود که از او دوری کند: «مراد بارها به او گفته بود، اگر می‌خواهی اصالت داشته باشی، باید به مادرت پشت کنی و از آن طبقه ابله دربیایی» [۹]

ترس تنهایی

سومین دلوپسی غایی تنهایی ست، نه انزوای بین فردی با تنهایی ملازمش مطرح است و نه انزوای درون فردی (جدایی از بخشی از وجود خویش)، بلکه با انزوایی بنیادین – جدا افتادن هم از مخلوقات و هم از دنیا- مواجهیم و رای سایر انواع تنهایی. هر چقدر به یکدیگر نزدیک شویم، همیشه فاصله ای هست، شکافی قطعی و غیر قابل عبور؛ هر یک از ما تنها به هستی پا می‌گذاریم و باید به تنهایی ترکش کنیم. پس تعارض اگزیستانسیال تنشی ست میان آگاهی از تنهایی مطلق و آرزویمان برای برقراری ارتباط، محافظت شدن و بخشی از یک کل بودن [۸]



یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های جهان داستانی دانشور، مفهوم تنهایی است. البته بیشتر رمان‌های او با وجود این که در محیط‌های پر شخصیت و پر از ماجرا می‌گذرند، در نهایت بیانگر تنهایی عمیق قهرمان‌ها به ویژه زنان داستان‌های او هستند.

هستی پس از تجربه تبعید به جزیره‌ی سرگردانی، به نوعی ایقان و ایمان می‌رسد و نفس مطمئن‌ه‌اش از طریق «طوطک» در رؤیا بر او ظاهر می‌شود، او را از رویدادهای آینده با خبر می‌کند و تحت حمایت و هدایت خود می‌گیرد. تحول در هستی تنها از رهگذر کشف و شهود باطنی و شناخت برتر آسمانی و درونی قابل توجیه است. ظاهر خواننده نیز برای درک بهتر چنین تحولی، چاره‌ای جز دست زدن به یک تجربه‌ی شهودی و عملی ندارد.

ترس از تنهایی توران خانم

توران خانم مادر بزرگ هستی است که بعد از فوت پسرش، فرزندان او را در خانه خود بزرگ می‌کند. یکی از ویژگی‌های این شخصیت، ترس از تنهایی است تا جایی که برای رهایی از آن، با تمام بیزاری که از عروسش دارد، او را به خانه‌اش راه می‌دهد: «مگر هستی نمی‌گفت: توران جان برای گریز از تنهایی و ترس از تنها ماندن بود که عروس سابقش را به خانه راه داده بود؟ مگر نمی‌گفت توران جان حتی روزها نمی‌تواند تنها ماندن را بیشتر از یک ساعت تاب بیاورد - پس با همه‌ی نفرتی که از آن سلیطه، به گفته خودش، داشت او را در آغوش گرفت و خوشامد گفت.» [۹]

ترس پوچی

چهارمین امر مسلم هستی یا دلواپسی غایی پوچی و بی‌معنایی است. اگر باید بپذیریم، اگر خود باید دنیايمان را بنا کنیم، اگر هریک در جهانی بی تفاوت به ما مطلقاً تنهایییم، پس زندگی چه معنایی دارد؟ چرا زندگی می‌کنیم؟ چطور باید زندگی کنیم؟ اگر هدفی مقدر و از پیش تعیین شده وجود ندارد، پس هر یک از ما باید معنای خویش را در زندگی بسازیم. ولی آیا معنایی که خود برای خویش می‌آفرینیم، بنیه‌ی لازم برای تاب آوردن این زندگی را دارد؟ این تعارض پویای اگزیستانسیال ریشه در معمای مخلوقی در جست و جوی معنا دارد که به درون جهانی خالی از معنا افکنده شده است [۸]. فقدان معنا مهم‌ترین فشار روانی اگزیستانسیال به شمار می‌آید [۸]

ترس سلیم

ساربان سرگردان از منظر ذهن سلیم روایت می‌شود و در این رمان ما با تردیها، ترس‌ها و عمیق‌ترین افکار و احساسات او روبه‌رو می‌شویم: «چطور است به دیدار ویکی شکوهی بروم؟ این یکی خطر دارد. ترسو! خودمحو را آدم حتی در خلوت خودش هم نقابش را بردارد.» [۹]



هیچ و پوچ بودن بشر فعلی

از جمله علل سرگردانی افراد در جامعه متمدن امروز، پوچ گرایی و ناامیدی حاصل از آن است. در داستان جزیره سرگردانی، هستی در گفتگو با سلیم به آیین موضوع اشاره و سلیم راه حل رهایی از آن را این گونه بیان می‌کند:

«بشر فعلی دارد هیچ و پوچ می‌شود. دارد آخرین مرحله صنعت را می‌پیماید. دارد عصر انفورماتیک را مزه مزه می‌کند. بشر فعلی در حل انفجار است. انفجاری بدتر از ایلغار مغول به عقیده من آخر تمدن بشر فرارسیده است، تأملی کرد و افزود: عصر ما عصر کافکایی است. بازتاب ناهشیار افسرده و شخصیت بی‌تاب کافکاست.» [۹]

نتیجه گیری

سیمین دانشور یکی از اولین نویسندگان زن ایرانی است که در نگاشتن داستان، المان های روان شناسی را به کار برده و همین امر موجب شده تا پژوهشگران به بررسی روان درمانی آثار دانشور بپردازند و با نشان دادن المان های روان شناسی در آثار وی، وجود آن‌ها را در جامعه‌ی کنونی تحلیل کنند. نقد روانشناسانه‌ی آثار ادبی سبب می‌شود خواننده ارتباط بیشتری با داستان برقرار کرده و از روند داستان در ترمیم روان خود بهره ببرد.

در این پژوهش با مهم‌ترین ترس‌ها و اضطراب های آدمی از دیدگاه یالوم آشنا شده و بر اساس فلسفه‌ی وجودگرایانه‌ی مکتب اگزیستانسیالیسم به چهار وجه غایی ترس در دو اثر سیمین دانشور "جزیره سرگردانی" و "ساریان سرگردان" پرداخته شد. این رمان از نوع زندگی نامه‌ای است که نویسنده از شخصیت‌های داستانی بهانه‌ای برای از خود گفتن می‌سازد و از آن‌ها نقابی می‌سازد برای این که من شخصی خود را پشت یک "او"ی داستانی پنهان کند و بتواند از گزارش و خاطره یک اثر تخیلی بسازد. در کتاب "جزیره سرگردانی" سیمین دانشور حضوری مداوم دارد و در کنار او اشخاصی چون دکتر مصدق، خلیل ملکی، دکتر شریعتی و آل احمد قرار دارند. افرادی که می‌آیند تا پس زمینه تاریخی اجتماعی اثر را بسازند. این کتاب یک اثر دو تکه است. او از "هستی" به عنوان بلندگوی نظریات خود استفاده می‌کند و به همین جهت در این رمان "هستی" فردیت خود را از دست می‌دهد. انتخاب نام هستی برای شخصیت اصلی داستان، نگاه ما را به سمتی سوق می‌دهد که پرسش‌های مطرح برای هستی را وجود شناسانه تلقی کنیم.

هر دو رمان دانشور نشان دهنده‌ی وضعیت زن در عصر مدرن است و مواجهه او با جامعه و حوادث و دیگر شخصیت‌ها در روند داستان، ترس‌ها و دلواپسی های مورد مطالعه و واکنش های مربوط را به خوبی نشان می‌دهد.

دانشور همواره سعی می‌کند سخن خود را به سمت پاسخ به خوانندگان پیش ببرد تا بتواند پیام او را متوجه شوند و این الگو برای تطبیق نظریه های روانشناسی و ساختار ادبی اجتماعی رمان فارسی، مناسب و مفید است.

نشتمین کنفرانس ملی

علوم انسانی و آموزش و پرورش با محوریت توسعه پایدار

6th National Conference on
Humanities and Education With a focus on sustainable development
www.mpconf.ir



آن چه با مطالعه‌ی تطبیقی دیدگاه اگزیستانسیالیسم یالوم و دو اثر سیمین دانشور در این پژوهش حاصل شد آن بود که ادبیات و علم روانشناسی در پیوندی تنگاتنگ با هم بوده و مباحث مرتبط و مهم روان شناختی در بستر رمان می‌تواند مشکلات روان شناختی و واکنش‌های مناسب آن را بیان کند.

چهار دلواپسی غایی از دید یالوم – ترس مرگ، آزادی، تنهایی و پوچی – در هر دو رمان با استفاده از فضا سازی، شخصیت پردازی و حوادث به وضوح به تصویر کشیده شده و با بهره‌گیری از عناصر داستان، این ترس‌ها و اضطراب‌ها را در بطن خانواده و جامعه نشان داده است که با تحلیل و بررسی روانشناسانه‌ی این دو اثر می‌توان به پیامدها و نشانه‌های ترس و اضطراب در شخصیت‌های متفاوت پی برد.

نشتمین کنفرانس ملی علوم انسانی و آموزش و پرورش با محوریت توسعه پایدار

6th National Conference on
Humanities and Education With a focus on sustainable development
www.mpconf.ir



منابع و مآخذ:

- [۱] قربانی، قدرت الله، (۱۳۹۲) نسبت انسان و حقیقت از منظر فیلسوفان مدرن انسان پژوهی دینی، ش ۳۰، صص ۲۸ - ۴۲.
- [۲] قائمی، فرزاد (۱۳۸۹). «پیشینه و بنیادهای نظری رویکرد نقد اسطوره ای و زمینه و شیوه کاربرد آن در خوانش متون ادبی»، فصلنامه نقد ادبی، ش ۳، ۱۱ - ۱۲.
- [۳] ایگلتون، تری؛ (۱۳۶۸). نظریه های ادبی، مترجم: عباس مخبر، تهران؛ مرکز.
- [۴] ولک، رنه (۱۳۷۳). تاریخ نقد جدید (جلد چهارم)، ترجمه سعید ارباب شیرانی. تهران: انتشارات نیلوفر.
- [۵] زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۲)، نقد ادبی، تهران: انتشارات سمت.
- [۶] یآوری، حورا. (۱۳۷۴)، تأملی در کار سوگ واری در جزیره سرگردانی، چاپ اول، تهران: سخن.
- [۷] پاینده، حسین (۱۳۸۵) نظریه رمان، تهران: نظر
- [۸] یالوم، آروین، (۱۳۸۹)، روان درمانی اگزستانسیال، ترجمه سپیده حبیب، تهران، نی.
- [۹] دانشور، سیمین (۱۳۷۲). جزیره سرگردانی. تهران: خوارزمی.
- [۱۰] دانشور، سیمین (۱۳۸۰). ساریان سرگردان. تهران: خوارزمی.